

Geistliche Abendmusik: „Gott loben, das ist unser Amt“

Ev.-luth. Erlöserkirchengemeinde Düsseldorf, 10. November 2024

Psalm 100:

کتاب مقدس، ترجمه معاصر
سرود شکرگزاری

- 1 ای ساکنان روی زمین، در حضور خداوند فریاد شادمانی سر دهید
- 2 خداوند را با شادی عبادت کنید و سرودخوانان به حضور او بیایید
- 3 بدانید که او خداست. او خالق ماست و ما قوم او هستیم و گوسفندان چراگاه او
- 4 با شکرگزاری از دروازه های خانه او داخل شوید؛ سرودخوانان به صحنهای او بیایید. او را پرستش کنید و نام مقدسش را گرامی بدارید
- 5 خداوند نیکوست و رحمت و امانتش را انتهای نیست

احوالپرسی:

به موسیقی شب معنوی ما خوش آمدید. شاید امشب عده ای از هواداران فوتبال در بین ما باشند. در هر صورت، عصر چهارشنبه در محفل جهانی، شخصی اصرار کرد که ما را به موقع تعطیل کنیم، زیرا او می خواست بازی بایرن مقابل بنفیکا لیسبون را ببیند. من فقط بعداً متوجه این موضوع شدم. اما این باید جو ترسناکی در استادیوم باشد. بدون سرودهای باشگاهی، بدون تشویق شاد، بدون آهنگ های رزمی - مثل یک موش آرام بود. چون یک اورژانس پزشکی وجود داشت. یکی از هواداران بایرن باید احیا شود. به همین دلیل هواداران مونیخی پس از گذشت سه دقیقه از بازی، حمایت خود را متوقف کردند. و با وجود پیروزی، پس از بازی نیز جشن چندانی در رختکن برگزار نشد

چنین چیزی در یک استادیوم فوتبال کاملاً غیر معمول است. به طور معمول، افرادی که در غیر این صورت نسبتاً محتاط هستند، که از نظر موسیقی در هیچ گروه کر یا ارکستری شرکت ندارند و در غیر این صورت فقط زیر دوش می خوانند، در بالای ریه های خود تشویق می کنند. اگر یک طرفدار واقعی هستید، نمی توانید! در زمان بازی یا حتی گل زدن تیمتان روی صندلی خود ساکت و بی حرکت بمانید

ما مسیحیان می توانیم چیزهای زیادی از این بیاموزیم. زیرا برای ما به مراتب کمتر آشکار است که خدای خود را ستایش کنیم، او را تشویق کنیم و فریاد بزنیم. همانطور که کورنلیوس بکر 400 سال پیش در بازخوانی مزمور 100 گفت: "دفتر ما ستایش خداست." البته اگر شرایط اضطراری رخ دهد یا خطر شکست وجود داشته باشد، این امر نیز می تواند برای ما متوقف شود. با این حال، هواداران واقعی خود را به عنوان "مرد دوازدهم" می بینند که می تواند تقویت کننده تعیین کننده برای تیم آنها باشد. اینگونه است که ما امشب می "خوانیم و موسیقی می سازیم - حتی اگر در حال حاضر یک پیروزی بی چون و چرا به نظر نرسد. اما "بازی هنوز ادامه دارد، و ما هر کاری از دستمان بر می آید انجام می دهیم تا پیروز میدان را ترک کنیم - و خداوند را ستایش کنیم

کلمات در مورد موضوع:

خدا را ستایش کن، این کار ماست.» در خود مزمور صد در مجموع هفت کار ذکر شده است: فریاد زدن، خدمت کردن، آمدن، شناختن، وارد شدن، سپاسگزاری، ستایش. در هر صورت، به نظر نمی رسد که شما نیاز به مدرک دانشگاهی یا چندین سال تجربه حرفه ای در خارج از کشور داشته باشید. همچنین لازم نیست با استفاده از بسته نرم افزاری یک سازنده آمریکایی آشنا باشید. نه خلاقیت و نه استقامت فیزیکی لازم نیست. شما حتی به دیپلم دبیرستان هم نیاز ندارید. و اتفاقاً صدای آموزش دیده ای هم نیست. هیچ کس در مورد همه اینها در استادیوم فوتبال نمی پرسد

اما چرا باید حتی برای شغلی مانند این اقدام کنید؟ کورنلیوس بکر می نویسد: "با او بودن". بنابراین برای یک هفته چهار روز به شما دستمزد بالاتر از استاندارد ارائه نمی شود، هیچ پیشنهاد منظمی برای آموزش بیشتر و هیچ فرصتی برای پیشرفت در شرکت وجود ندارد. این فقط در مورد ارتباط با خدا است. زیرا ما زندگی خود را مدیون آن هستیم. بالاخره هیچ کدام از ما باردار نشدیم و خود را به دنیا آوردیم. این هم دست ما نبود که بیشتر سالم مانده ایم و از حوادث و خطرات جانی مصون مانده ایم. این واقعیت که علیرغم همه چیز - اشتباهی همیشه به ما فرصت جدیدی داده می شد، شایستگی ما نبود، بلکه یک هدیه غیرقابل سزاوار بود. کتاب مقدس اغلب از کلمه "فیض" برای این کار استفاده می کند

بنابراین، شاید بهتر باشد که مزمور را به عنوان یک شرح شغل و مطمئناً به عنوان مشخصات الزامی برای یک مسیحی ندانیم، بلکه به عنوان یک دستورالعمل برای زندگی مان - با توجه به این شعار: «برای اینکه از زندگی تان لذت ببرید. تا زمانی که ممکن است، لطفاً به دستورالعمل های زیر توجه کنید: در خداوند فریاد بزنید، خداوند را با شادی خدمت کنید، با شادی در مقابل او بیایید. توجه: سازنده هیچ مسئولیتی در قبال آسیب های ناشی از استفاده نادرست یا نادرست ندارد

یک دقیقه صبر کنید - اصلاً چنین هشدار در مزمور وجود ندارد. در آنجا فقط صحبت های مثبت وجود دارد. اعلان هایی که می شود واضح و دقیق است، اما در قسمت دوم دوباره تکرار می شود تا شکی باقی نماند: به خانه اش برو، از او تشکر کن، از او تعریف کن

عجیب است که این درخواست ها بارها و بارها در اینجا تکرار می شود. بالاخره هر روز اتفاقات خوب زیادی برای ما می افتد. «به دنیا نگاه کنید، به هر چیزی که ما را احاطه کرده است. چیزهای بسیار زیبا، معجزات بسیار در راه ما» (جان راتر). دل ما باید از آن پر شود - و سپس خود به خود سرریز شود و به حمد خدا تبدیل شود، اینطور نیست؟ در 8 ساعت به اندازه یک سال باران نباریدیم. قبل از نزدیک شدن به دیوارهای آتش، مجبور نبودیم که تخلیه کنیم. به طور معمول ما در خانه هایمان گرم و خشک هستیم. هیچ آژیر خطری در محله ما در مورد حملات بمب افکن و هواپیماهای بدون سرنشین به صدا در نمی آید. ما تغذیه می شویم، کودکان و جوانان در کشور ما همه می توانند به مدرسه بروند و در حال حاضر بهترین فرصت های آموزشی را دارند. ما به عنوان مسیحی می توانیم هر یکشنبه در مراسم کلیسا شرکت کنیم یا در تلویزیون و رادیو بدون ترس از انتقام جویی دولت شرکت کنیم. حمد و سپاس مخصوص خداست! و اگر به زندگی شخصی خود نگاه کنیم، مطمئناً چیزهایی وجود دارد که خوشایندتر هستند

بله، البته چیز دیگری هم وجود دارد: مشاجرات، درد، شاید تنهایی و از دست دادن. اما همچنین: رابین جلوی پنجره آشپزخانه، طلوع خورشید رنگارنگ، یک کارمند خوب در نانواپی، راننده اتوبوس مهربانی که منتظر می ماند تا من به اتوبوس برسم. و خدایی که مرا می شنود، نجات دهنده ای که گناه گذشته ام را محو می کند، نگاهی از دیوار مرگ به ابدیت. و همه اینها هر روز صبح جدید است. "همه هدایا ... به عنوان نشانه ای از عشق او" (جی. راتر)

عجیب است که ما همیشه به این دعوت نیاز داریم: "فریاد بزنید، او را ستایش کنید." همه خوبی‌ها به سرعت توسط سختی‌ها پوشانده شد و به سرعت پوشانده شد، کارهای بزرگ خدا با چیزهای کوچک روزانه در هم ریخته می‌شود. ما هر روز برای عزیزانمان آهنگ‌های عاشقانه نمی‌خوانیم. و البته ما نمی‌توانیم در فوریت‌های پزشکی، شکست‌ها و فجایع جشن بگیریم. این کاملاً طبیعی است. نارضایتی طبیعی است. فقط در سوپرمارکت یا تراموا به اطراف نگاه کنید. اما آیا شما آن را اینگونه می‌خواهید؟ آیا می‌خواهید به طور مسری بدخلق باشید؟ مزمور ما دستورالعمل متفاوتی را برای یک زندگی موفق ارائه می‌دهد - چیزی مانند اگر می‌خواهید برای مدت طولانی از زندگی خود لذت ببرید، آن را با ستایش و فریاد و شادی به دقت پرورش دهید."

اگر من یک کت چرمی را با محصولات مراقبتی درمان می‌کنم، دقیقاً به این دلیل است که مواد مربوطه به طور طبیعی در کت گم می‌شوند. زندگی ما اینگونه است: از ما خواسته می‌شود که خدا را ستایش و شکر کنیم زیرا این امر به طور طبیعی تحت استرس زندگی روزمره از بین می‌رود. این درخواست در طول قرن‌ها ضروری بوده است، زیرا در ذات ما ستایش نیست.

حالا این منطقی است. ذاتاً، حواس و ذهن ما برای تشخیص و سیخ کشیدن بدی‌ها سیمی دارند. اگر وارد در ورودی بشویم و بوی سوختن به مشام برسد، منطقی و شاید نجات‌دهنده است که مغز ما فریاد بزند «آلام!» و ما بلافاصله به دنبال علت بو می‌گردیم. در این صورت، تمام چیزهای زیبا و آشنا که در راهرو وجود دارد باید مورد توجه قرار نگیرد. این در مورد جلوگیری از یک خطر یا یک شکایت است. ما اینگونه خلق شده‌ایم. اینگونه است که ما زندگی خود و عزیزانمان را ایمن می‌کنیم: خطر تشخیص داده می‌شود خطر جلوگیری می‌شود. خشم، خشم و نارضایتی نیروهای محرک بسیار مفیدی هستند، زیرا آنها به اعمال ما برای تغییر چیز بد، خطرناک و رضایت‌بخش کمک می‌کنند. اما پس از آن باید خوب باشد. سپس دوباره جا برای چیز دیگری وجود دارد، زمان تغییر.

مزمور ما به ما کمک می‌کند تا این تغییر را انجام دهیم. ببینید خدا چه کسی و چگونه است - دوستانه قدرتمند، دوست داشتنی. ببین چیکار کرد او ما را گله خود قرار داده است، یعنی مالکیت خود را که از جان و دل مراقبت می‌کند. پس حالا او را تحسین کنید. از او تشکر کنید - حتی اگر در حال حاضر از ته دل نباشد فقط آن را انجام دهید - قلب شما دنبال خواهد شد.

و برای کسانی که این کار را در زندگی روزمره دشوار می‌دانند، آنچه را که مزمور ما به طور طبیعی به دعوت ستایش می‌افزاید توصیه می‌کنیم: این کار را در خانه خدا انجام دهید، «به پیش روی او بیایید، به دروازه‌های او وارد شوید، پس اگر درنگ کردید». زمان اگر می‌خواهیم از زندگی خود لذت ببریم، باید به سادگی در مراسم کلیسا شرکت کنیم. اگر کسی به دلیل قدرت بدنی خود دیگر قادر به انجام آن نیست، شرکت در خدمات رادیویی یا تلویزیونی اکنون یک گزینه عالی است. این صرفاً به دنبال مشارکت با خدا، همراه با بسیاری از مسیحیان دیگر است.

این اغلب به من کمک کرده است، به خصوص وقتی ایمانم خسته شده و شادی ام کم‌رنگ شده است. آن وقت می‌توانم با دعاهایی که مجبور نیستم خودم را فرموله کنم در خدمت همراه شوم، می‌توانم خدا را با آهنگ‌هایی ستایش کنم که اگر نتوانم حتی مجبور نیستم برای خودم بخوانم. و اغلب چنین است که در پایان می‌توانم با قلبم موافق باشم: «بلی، خداوند مهربان است و محبت او تا ابدالابد و حقیقت او تا ابدالابد است. خوشا به حال من که عیسی را دارم».